

"ما باید در اذهان توده زنان این خواست را به لحاظ سیاسی با رنجها، نیازها و آمال زنان کارگر بیامیزیم. همه آنها باید بدانند که دیکتاتوری پرولتاریا برای آنان چه معنی خواهد داشت: تساوی کامل حقوق با مردان، هم قانوناً و هم در عمل، در خانواده، در دولت و در جامعه، اینها به معنی تضمین نابودی قدرت بورژوازی است."

لنین

تنها جنگ ممتد خلق، رهایی زنان را مادیت می بخشد!

از نگرهء ماتریالیسم تاریخی، همانگونه که لنین کبیر نوشته اند " کشت و زرع دهقانی کوچک ، با خود خانه داری فردی و انقیاد زنان را به همراه می آورد". در افغانستان نیز ریشه های مادی و تاریخی سرکوب و به انقیاد کشانیدن توده های میلیونی زنان ستمدیده ریشه در این واقعیت دارد. نهاد های روبنایی نظیر فرهنگ فئودالی، دین و قوانین پوشالی همه در راستای به انقیاد کشانیدن زنان عمل کرده اند. کاپیتالیسم بروکراتیک کمپرادور نیز که "چاشنی" ستم امپریالیستی و پذیرش اشغال را نماینده گی میکند، با جامعه ای مرد-سالار و تدین زن ستیز پیوند ناگسستنی دارد. از همین رو است که برای رهایی راستین زنان، فضایی و محلی برای اعراب در چهار چوب جهانی تحت سیطره ء سرمایهء امپریالیستی موجود نبوده و زنان افغانستان نمی توانند از طریق "رفرم" و صدور قوانین پوشالی حتی به حد اقل رهایی راستین دست یابند. از همین رو است که یگانه راه درست و اصیل جهت رهسپار جاده ء درخشان رهایی شدن زنان، همانا جاده ء پر پیچ و خم انقلاب است. تنها با عمل انقلابی و تنها در مسیر انقلاب دموکراتیک نوین است که زنان زنجیر های خویش را یکی پس از دیگری درهم خواهند شکستند و سرانجام با پیروزی جهانی کمونیسم، یوغ ستم طبقاتی و جنسیتی را از خویش به دور

خواهند افگند. این روند، از طریق راه اندازی و پیشبرد جنگ ممتد خلق که طی آن زنان در دبستان انقلاب الفبای رها شدن را خواهند آموخت، میسر است. جنگ ممتدخلق، سبب رها شدن پوتانسیل انقلابی میلیونها زن ستمدیده گردیده و انرژی نهفته در زنان، در جهتی مثبت و جهان-ساز به کار گرفته خواهد شد. روی این اصل است که باید احزاب و سازمانهای انقلابی، درد ها، نیاز ها و آلام زنان ستمدیده را با آجدای انقلابی پرولتاریا تلفیق کنند، و سنتز آن را در میان زنان پخش کنند. از این طریق است که زنان، حتی عقب مانده ترین لایه های ایشان، قادر خواهند بود که به اهمیت دوران ساز دیکتاتوری پرولتاریا و کسب قدرت سیاسی توسط طبقه ء کارگر جهت رسیدن به کمونیسم پی خواهند برد. جنگ ممتد خلق، دوره ء ممتد آموزشی است که زنان را بسوی انقلاب و جهانی فارغ از یوغ ستم، تبعیض و استثمار روانه میسازد.

امروزه از یکسو "جهادیان" خون آشام در تبنانی با تکنوکرات های مزدور امپریالیسم سرکوب زنان را سیستماتیزه نموده، و آنان را در زنجیر "قوانین" پوشالی، تابع ستم پدر-شاهانه نموده اند، و از سوی دیگر، طالبان تاریخ زده، با تمسک به قهقرایی ترین خوانش ها از قهقرایی ترین نگاه ها نسبت به زن، زنان را مورد وحشیانه ترین حملات سرکوبگرانه قرار داده اند. "روشنفکران" خرده بورژوا و بورژوایی که دنباله رو "دموکراسی" پوشالی اشغالگران امپریالیست اند، طی بیش از دوازده سال اخیر کوشیده اند تا با مطالبه خواست های "رفرمیستی" و "جامعه ی مدنی" از تریبون های پوشالی "حقوق بشر" و "دفاع از حقوق زنان" وابسته به سازمانهای بازیچه ی کشور های نیرومند امپریالیست، از جنبش دموکراتیک زنان جلوگیری کنند. میلیونها زن کارگر و دهقان، دستخوش افسونگری های بنیادگرایان مذهبی و دستانگری های

"روشنفکران" مرتجع مزدور امپریالیسم، گردیده و ندای جنگ ممتد خلق را نشنیده اند. رسالت تمام نیرو های مائوئیست کشور است که یگانه گزینه ء تا به آخر درست و نیرومند، یعنی گزینه ء رهایی زنان از مسیر جنگ ممتد خلق را باید در میان زنان قویا پخش و تبلیغ نمایند. این تبلیغ، نه به گونه ء صوری و مکانیکی، بل به گونه ی تلفیق تیوری انقلابی با عمل انقلابی امکان پذیر است.

امروزه گرایش های خرده بورژوایی که در سراب "فمینیسم" غربی شنا میکنند، سالوسانه از "کمونیسم" و آنهم "کمونیسم کارگری" سخن میگویند و آجند های "رفرمیستی" برای رهایی زنان مطرح می نمایند. آنان رهایی زنان را در "پورنو" شدن جامعه و در محض "رفع حجاب" می بینند. آنان به بستر رشد بذر شوم حجاب یعنی ستم بورژوا بروکرات کمپرادوری کاری ندارند، و نیز این را نمی بینند که این اشغال امپریالیستی است که "حجاب" را محافظت میکند. تنها "هنر"ی که این "کمونیست کارگری" ها دارند این است که بر چپ انقلابی و مائوئیست و گذشته درخشان جریان دموکراتیک نوین کشور بتازند، و بی آرمانه ادا و اطور در آورند که "کاشفان شوکران" تز های "رهایی زن" اند.

این "چپ" های ساخته و پرداخته ی امپریالیسم، با آنکه شبیح تروتسکی را به مثابه ء آسمانه برگزیده اند، گاه از حلقوم نشریه ء "کارگر" در شهر کابل زوزه میکشند، و گاه "سوسیالیسم کارگری" خویش را از "باختر" به پرواز حقیر در می آورند. اینان نسخه های ناشیانه ء پورنو-"دمکراتیسم" منصور حکمت، و آنر ماجدی بوده و در غیاب "کاریزمای" حزب کمونیست کارگری یکپارچه به مصابه ی قطب نما، اینک خود به قطب و مرجع صدور تز های "کمونیستی" مبدل شده اند. اینان بر تمامت جنبش کمونیستی بین المللی تاخته، با مارکسیسم-

لنینیسم-مائونیسم خصومت می ورزند، و تنها کسی که از تیغ بی دریغ شان مستفید نگردیده است، همانا "حضرت" تروتسکی است!

همانگونه که مبارزه علیه تفکرات و پراتیک زن ستیزانه و خادی-جهادی-طالبی- تکنوکراتی در دستور کار ما قرار دارد، باید پورنو-"سوسیالیست" های تقاله و منصور حکمت را نیز در جمع سایر رویونیست های زن ستیز، در شمار زن ستیزان ضد کمونیست افزود. آنانی که با کمونیسم خصومت میورزند، در "بهترین" حالت، دفاع شان از حقوق زن، همانا نگریستن به زن در آینه و توهامات بورژوایی است. کمونیست ها، همانگونه که در برابر زن ستیزی ایادی فکری و قلمی فئودالیه موضع میگیرند، همانگونه توهامات بورژوازی نسبت به زن را نیز به تازیانه و نفی و رد بسته، و در این راستا است که رویونیسم را به مثابه و کانالیزه شدن توهامات بورژوازی زیر نقاب دروغین "کمونیسم"، افشاء، طرد و تقبیح میکنند.

(هشت مارچ) روز همبسته گی بین المللی مبارزات زنان ستمدیده ی گیتی را گرامی داریم، و بیش از پیش آنرا به تریبون مبارزات عملی و تیوریک زنان در راستای رهایی زن مبدل سازیم. این روز را گرامی داریم و از آن به مثابه و سلاح مبارزاتی زنان در مبارزه علیه انواع ددمنشی های زن ستیزان-اعم از رویونیست ها، جهادی ها، طالبی ها، تکنوکرات ها و سایر زن ستیزان-مبدل سازیم. (هشت مارچ) را گرامی داریم و زنان ستمدیده ی کشور خویش را به وحدت مبارزاتی در برابر نیرو های حامی پدر-شاهی فراخوانیم. بگذار (هشت مارچ) به تریبون فراخوان زنان ستمدیده و کشور بسوی راه اندازی جنگ خلق مبدل گردد. آنگاه است که تجلیلی فراخور از این روز به عمل

خواهد آمد. آنگاه است که این روز که نماد مبارزات زنان سراسر گیتی است،
مادیت راستین رهایی زنان را به مثابه ء راهکار خویش ارائه خواهد داشت.

فرخنده باد (هشت مارچ) در بستر فمینیسم پرولتری!

واژگون باد بساط خون و خیانت اشغالگران!

نفرین به رویونیست های زن ستیز!

گجسته باد نگره های باژگونه ء جهادی-طالبی-تکنوکراتی!

انقلاب زنده باد!

سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)

8 مارچ 2014 میلادی